بسمه تعالی

تعریف رجل سیاسی و مذهبی برای نامزدهای احراز پست ریاست جمهوری

نوشته نادر حسن زاده



هر نسلی تاریخی دارد. هر کشوری رجالی دارد. خوشا به حال مردمانی که رجال عاقل و بالغ و عارف و حاکم دارند. حق انتخاب دارند. حق حیات دارند. حد مرام دارند. خط خدا دارند. حرف حساب دارند. زبان علم دارند. اطاق فکر دارند. ثبات و سپاه دارند. صفات آب دارند. مداد ناز دارند. نثار خاک دارند. شهیدان پاک دارند. رسولان راه دارند. فرشتگان نجات دارند. خادمین بسیار دارند. رقیبان قدر دارند. کتاب خدا دارند.

تاریخ نشر۱۳۹۶/۱۲/۲۹. تاریخ پنجمین نسخه بازبینی ۱۳۹۸/۸/۵

hasanzadehr@yahoo.com

تعریف رجل سیاسی و مذهبی برای نامزدهای احراز پست ریاست جمهوری

تعریف، معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ در دو ماده و ۱۱ بند به تصویب شورای نگهبان رسید.

ماده ۱- تعاریف رجل سیاسی مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری عبارتند از: انجام شعائر و مناسک دینی در زندگی فردی و اجتماعی از برجستگی ویژه‌ای برخوردار باشد، به گونه‌ای که در میان مردم به این خصوصیت، شناخته و مشهور باشند.

۲-رجال سیاسی، رجالی هستند که قدرت تحلیل و درک آنها از مسائل و پدیده‌های سیاسی به جهت آگاهی عمیق شان از مسائل سیاسی اجتماعی اعم از داخلی و بین‌المللی و حضورشان در صحنه‌های سیاسی به نحوی باشد که همواره مصالح نظام اسلامی و معیارهای اصیل انقلابی در عملکرد آنها لحاظ شده باشد، به گونه‌ای که در میان مردم به این خصوصیت، شناخته و مشهور باشند.

۳-مدیر، شخصی است برخوردار از شایستگی‌های ذاتی و اکتسابی لازم از نظر دانش و مهارت، شخصیت و نگرش‌های فردی و تجربه که توانایی شناخت و استفاده بهینه از منابع انسانی و مادی در کشور را با رعایت حداکثر بهره‌وری و در راستای ماموریت، رسالت و اهداف کلان نظام و ارزش های حاکم بر جامع داراست و سوابق او حاکی از موفقیت وی در صحنه‌های مدیریتی کلان باشد.

۴-مدبر، شخصی است که از توانایی پیش‌بینی و عاقبت اندیشی نسبت به امور، مبتنی بر عقلانیت و دانش صحیح برای اداره امور کشور برخوردار باشد و در بحران‌ها قدرت حل مشکلات و برون رفت از آنها را به نحو شایسته داشته باشد.

ماده ۲- شرایط و معیارهای لازم جهت تشخیص رجل سیاسی مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری عبارتند از:

۱.سوابق کافی و قابل ارزیابی در فعالیت‌های مذهبی و سیاسی از قبیل مکتوبات، سخنرانی‌ها و اعلام مواضع

۲.سوابق کافی و قابل ارزیابی در تصدی برخی مسئولیت‌ها و مدیریت‌های کلان

۳.سلامت و توانایی لازم جهت ایفای مسئولیت های ریاست جمهوری

۴.سن متناسب با انجام مسئولیت های ریاست جمهوری

۵.صلاحیت علمی لازم جهت ایفای وظایف ریاست جمهوری

۶.ارائه برنامه‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی در چارچوب صلاحیت و اختیارات قوه مجریه مبتنی بر اسناد بالادستی از جمله قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام

۷.معرفی مشاوران جهت تشریح برنامه‌ها و توان مدیریتی و برنامه‌ها

۸.عدم محرومیت از حقوق اجتماعی و فقدان سابقه محکومیت کیفری موثر

۹.عدم محکومیت قطعی کیفری بر جرائم اقتصادی از جمله کلاهبرداری، رشاء و ارتشاء، تبانی در معاملات دولتی، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی کشور

۱۰.وابسته نبودن به گروه‌های غیرقانونی و عدم محکومیت به اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران و فقدان سوابق سوء امنیتی از جمله در فتنه سال ۱۳۸۸

۱۱.عدم وابستگی به رژیم گذشته و موثر نبودن در تحکیم آن

تبصره (۱)-داوطلبان موظفند مدارک مثبته جهت احراز شرایط را هنگام ثبت نام ارائه نمایند

تبصره (۲)-موارد مذکور در ماده (۲)، اماره‌ای مبنی بر شناسایی اولیه توانایی و شایستگی داوطلبان در مرحله ثبت نام بوده و اعتراض داوطلبان نسبت به عدم ثبت نام آنان، در شورای نگهبان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

تبصره (۳)-شورای نگهبان می تواند به منظور احراز شرایط داوطلبان ریاست جمهوری ضمن استعلام از مراجع ذی‌صلاح، اقدام به تحقیقات مورد نیاز و بررسی‌های مستقل نماید.

معلوم است برای اعضای شورای نگهبان چهار شرط برای احراز پست ریاست جموری دارای حائز اهمیت است. ۱) سیاسی بودن ۲) مذهبی بودن ۳) مدیر بودن ۴) مدبر بودن. در مورد جنسیت نامزد اعضا به توافق نرسیدند.

کار قانون با قانونگذاران و کار نظری با نظریه پردازان

این منشور و میثاق ملی اگر تکمیل و اجرائی بشود امید می رود در انتخابات بعدی شاهد صف طویل داوطبان احراز پست رئیس جمهوری نباشیم. هر کس خود را محق این پست نداند. طبق این مصوبه دو شرط سیاسی و مذهبی دو بال این مقام و دو شرط مدیر و مدبر دو پای ارزشمند آنست.

تقریبا تجارب همه انتخابات کشورهای مختلف در آن دیده شده است. با این تفاوت که جنسیت در آن مجهول است و مذهبی بودن رکن رکین آنست.

شاید برای همین است که نوشتن آن یکسال و نیم به طول انجامیده است. سابقه حکومت پادشاهی در ایران ۲۵۰۰ سال و جمهوریت حدود ۴۰ سال است. در سلسله های پادشاهی نیازی به این تعاریف نبود. غالبا پسر جای پدر- مادر به جای پسر می نشست. اگر شاه از همسر اول صاحب پسر نمی شد اینقدر برای خود همسر انتخاب می کرد تا یکی او را و کشور زیر یوغ او را صاحب ولیعهد بکند. وقت تنگ بود در شکم مادر جنین ولیعهد می شد (شاپور ذوالاکتاف پسر هرمز دوم هنوز در شکم مادر بود که پدرش دستور داد تاج بر شکم مادرش نهادند و خود او پس از این دستور مرد). اگر هم چند پسر داشت

یکی که بیشتر زور داشت با برادرکشی جای پدر را می گرفت (نمونه اش محمد شاه قاجار سومین پادشاه سلسله قاجاریه). بطور معمول پدر یا پسر را کور می کرد (مثل نادرشاه) و یا پسر پدر را می کشت (مثل شاه عباس). بعضا هم ولیعهدها اینقدر خردسال بودند که تصمیم را برای ایشان بزرگان دربار می گرفتند (ناصرالدین شاه ۴ ساله بود که ولیعهد شد. در اولین ماموریتش او ابلاغ پیام پدر را به نیکلای اول تزار روس برد. تزار او را روی پایش نشاند و نوازشش کرد!). نتیجه این خود دیدن ها و ملت و ایران ندیدن ها، بدتختی شاهان و بدبختی مردم ایران بود. یکی از مضرات آن کوچک شدن تدریجی نقشه ایران بود (مساحت فعلی ایران تقریبا یک سوم ایران باستان است. آنچه مانده است مغز ایران است).

اما برای نوشتن بهترین میثاق باید دید این خاک توان پرورش چند رجال سیاسی بنام را داشته است که برای کشور ایران افتخار آفرین بودند. بمانند خلبانان شهید/شهیر ایرانی همزمان که پایگاه های دشمن را می کوبیدند در آبادانی کشور ایران نیز سعی وافر داشتند. با تمام وجود درک می کردند این پرواز ها دائمی نیست و این توفیقات ابدی نیست. پس تا دیر نشده باید کاری کرد. از بین رجال سیاسی قرون اخیر، سه نام بیش از همه می درخشد۱) سید ابوالقاسم قائم مقام فراهانی ۲) میرزا محمد تقی‌خان فراهانی (امیرکبیر) و ۳) دکتر محمد مصدق. ایشان نه کودتا کردند و نه کودتا را برتافتند. حقوق بگیر دولت های انگلیس و روس و آمریکا هم نبودند. هر کدام یک نام و یک نامه درخشان از خود به یادگار گذاشتند.

با اینهمه عمر زمامداری ایشان بعنوان صدراعظم (نخست وزیر) به ترتیب چند ماه، ۳۹ ماه و۲۷ ماه بود!!

برای پیشوای همه مسلمانان حضرت علی علیه اسلام این مدت برای استقرار حکومت اسلامی چهار سال و نه ماه و چند روز بود و برای من حقیر پیرو زیر ذره بین ایشان تصدی پست های ناچیز اداری کمتر از این مقدار بوده است.

برعکس، عمر سلطنت طلبان قاتل و کودتاگر اندکی طولانی مدت بوده است. محمدشاه قاجار ۱۲ سال پس از دستور قتل قائم مقام فراهانی، ناصرالدین شاه پس از ۴۵ سال از دستور قتل امیرکبیر و محمدرضاشاه پهلوی پس از ۲۵ سال از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت ملی دکتر محمد مصدق. غیر از مدت کوتاه زمامداری، هر سه در کارنامه خویش خلعیت از مقام و تبعید هم داشتند.

خدمات و مکافات عمل خدمت به میهن توسط سه بزرگوار شهیر ایرانی:

۱. **میرزا سید ابوالقاسم قائم مقام فراهانی:**

متولد ۱۱۵۸ ه.ش در هزاوه اراک و درگذشته ۱۲۱۴ ه.ش در تهران. چون اجداد خود او یک سیاست‌مدار، ادیب، شخصیت برجسته و تأثیرگذار ایران زمین در عرصه حکومت، سیاست، ادب و هنر بود. پس از فوت پدر در سن ۲۴ سالگی قائم‌مقام فتحعلی شاه شد. همزمان پیشکاری عباس میرزا ولیعهد ایران را بر عهده گرفت. اما تقدیر گونه دیگر ورق خورد. عباس میرزا یکسال قبل از مرگ پدر (فتحعلی شاه) بدلیل ابتلا به بیماری سل از دنیا رفت(۱۲۱۲ ه.ش). فتحعلی شاه باید ولیعهد دیگری را برای خود معرفی می کرد. او فرزندان ذکور بسیاری از همسران متفاوت داشت. اما مجاز به انتخاب هیچیک به جز محمد میرزا پسر ارشد عباس میرزا نبود. زیرا طبق یکی

از مواد معاهدهٔ ترکمانچای، سلطنت در خانوادهٔ عباس میرزا باید ادامه می یافت(توارث اینگونه تعارض ایجاد می کند). بنابراین بعد از مرگ عباس میرزا، محمد میرزا ولیعهد می شود. در این بلبشو یکی از دغدغه مهم قائم مقام فراهانی مراقبت از عباس میرزا و بعد از او از پسر او محمد میرزا بود.

در مورد عباس میرزا او حتی بر اخلاقیات و کردار خصوصی او هم نظارت می کرد و آنگاه که می دید شاهزاده در این دوره حساس به عیش و نوش می پردازد از خود عکس العمل نشان می داد و می کوشید او را به مسئولیت های خطیر خود متوجه سازد.

نتیجه این دلسوزی دلخوری عباس میرزا از او که ۱۰ سال از قائم مقام بزرگتر بود و معزول شدن از قدرت به مدت ۳ سال بود! قطعا عباس میرزا که با کفایت ترین فرزند فتحعلی شاه بود و جور حدود ۱۳ سال جنگ ایران و روس (۱۲۰۶-۱۱۹۲ ه.ش) را بر دوش گرفت قدر نصایح عالمانه قائم مقام را در آن روزهای سخت به یاد داشت.

پس از درگذشت فتحعلی شاه در آبان ۱۲۱۳ ه.ش محمد میرزا پسر عباس میرزا و نوه فتحعلی شاه در سن ۲۷ سالگی برای گرفتن تخت و تاج پدر بزرگ به همراه قائم مقام وارد تهران شد. او همه مدعیان سلطنت را قلع و قمع کرد و با تدبیر قائم مقام فراهانی به سلطنت رسید (**چقدر در این قلع و قمع و کور کردن برادران محمدشاه نقش داشته است خدا می داند**. سیاست از اول پدر و مادر نمی شناخت). اما تاریخ نشان داد نمره او در صدارت ۲۰ بوده است، خدمت او ویژه بوده است، میهن پرستی او بی نظیر بوده است. وجهه ضد اجنبی او برجسته بود. حداقل حقوق بگیر دولت های اجنبی نبوده است. او اگر هم هیچ کاری برای ایران نمی کرد تربیت و معرفی میرزا تقی خان امیرکبیر کفایت می کرد. اما افتخارات او بیش از مجال این مقاله است.

مهمترین آنها مخالفت با جنگ با روس ها برای بار دوم بود.

در جنگ اول ایران و روس، قشون ایران به فرماندهی عباس میرزا علیرغم پیروزهای اولیه شکست سختی خورد و منجر به تحمیل معاهده گلستان به ایران شد (۱۱۹۲ ه.ش). آتش بس به اجرا گذاشته شد. فقط از بابت قلمرو سرزمینی، شمال ایران شامل قفقاز، ارمنستان و ایالت‌های شرقی گرجستان از ایران سلب و به روسیه تزاری واگذار کرد (**نقش قائم مقام در این جنگ چه بوده بر عهده مورخان است. منابع ساکت هستند**). **در جنگ دوم ایران و روس**، فتحعلی شاه در مجلسی که همه رجال حضور داشتند ادامه جنگ یا صلح را پیشنهاد می نماید. همه موافق نظر شاه برای ادامه جنگ می شوند الا قائم مقام. جرم تدبیر در برابر دستور شاه مشخص است: تبعید به مشهد!

جنگ دوم ایران و روس شروع می شود (۱۲۰۵ ه.ش).

باز به فرماندهی عباس میرزا و رشادتهای او و یاران او. باز برغم پیروزهای اولیه، قشون ایران شکستی سخت تر از جنگ اول را می خورد و این بار زیربار معاهده ننگین تر از معاهده گلستان می روند (۱۲۰۶ ه.ش). معاهده ترکمنچای.

۶ کرور (۵ میلیون تومان) غرامت جنگ و واگذاری ولایات ایروان و نخجوان به روس ها.

از روی استیصال قائم مقام به تهران بازخوانده می شود. دلجوئی می شود و خواهش و تمنا که تو یک کاری بکن! من که فتحعلی شاه بودم زن باز بودم. پسرم که میهن پرست بود تمام تلاش خود را کرد اما دشمن قوی بود. رجال دجال هم مرد نبودند مرا وسوسه جنگ کردند و الان تعدادی فراری هستند. این قائم مقام است که چون اژدها وارد می شود. تعدیل خواسته های روس در معاهده ترکمان چای می کند و بخش هایی از اراضی اشغال شده ایران توسط روسها را با سیاست باز پس می گیرد.

در قضیه هرات نیز او با توجه به درگذشت عباس میرزا در جنگ هرات برغم محاصره هرات توسط قوای ایران ادامه جنگ را مصلحت ندید و با یارمحمدخان افغانی صلح نمود. یکسال بعد فتحعلی شاه فوت کرد و بر همگان ثابت شد او فردی مدیر و مدبر و آینده نگر است. اما همه این خدمات موجب نشد شاه با چشم ببیند و با گوش نشنود (مشکل همه دولتمران دیروز و امروز ایران).

با اینکه عباس‌میرزا در اواخر عمر در مشهد از پسر جوانش تعهد گرفت که هرگز خون قائم مقام را نریزد. او به وصیت پدر به گونه دیگر عمل کرد که به اصطلاح امروزی نه سیخ بسوزد و نه کباب! در سال دوم سلطنت (۱۲۱۴ ه.ش) دستور داد قائم‌مقام فراهانی را در باغ نگارستان، محل ییلاقی خانواده سلطنتی زندانی کنند.

دستور حبس و قتل قائم مقام:

او که در کارنامه خود مخلوعیت از پست های سازمانی و تبعید به مشهد را دارد باید خود برای کشته شدن آماده بکند. اسماعیل‌خان قراچه‌داغی، رئیس فراشان خلوت، در حوضخانه باغ نگارستان به او قهوه قجر می دهد و چون بمیرد و قهوه دیر اثر می کند، سه نفر از عوانان بر سرش ریخته و با دستمال او را خفه می کنند. سپس مثل دزدان بغدادی جسدش را شبانه بر استری پیچیده در بعقه شاه عبدالعظیم بدون غسل و کفن به خاک می سپارند.

شاه عبدالعظیم اینقدر زائر دارد اما زائر این میهن پرست نادر است.

نکته: در عصری که چند زنی مرسوم بود او یکبار ازدواج کرد. او دختر نهم فتحعلی شاه را به همسری گرفت. ثمره این ازدواج، سه فرزند ذکور بود. باز در دورانی که هر مرد ایرانی صاحب ده ها فرزند قد و نیم قد بود صدراعظم که جای خود دارد. او می توانست ریشه خانواده خود را به صورت زاد و ولدهای بیهوده بگستراند و قدرت نمائی های بین نسلی بکند. اما به ما آموخت در خانه اگر کس است یک مرد بس است.

۲. **میرزا محمد تقی‌خان فراهانی (امیرکبیر):**

متولد ۱۱۸۶ ه.ش در هزاوه اراک و درگذشته ۲۰ دی ۱۲۳۰ ه.ش در کاشان. پدر وی کربلایی قربان نام داشت و آشپز قائم سید ابوالقاسم مقام فراهانی بود. امیرکبیر در خانه قائم مقام تربیت یافت و در جوانی توانست سمت منشی‌گری قائم مقام را به دست آورد. اصلاحات و خدمات بی نظیر امیرکبیر بیشتر مربوط به دوره صدارت اوست (درایران فقط رئیس ها آدمند). مدت صدارت امیر کبیر ۳۹ ماه (سه سال و سه ماه) بود. امیر هنگام گشایش و آغاز به کار دارالفنون از صدارت برکنار و به کاشان تبعید شده بود. او هم چون استادش بسیار قانونمند و مقرراتی بود. برای شاه حقوق ماهیانه تعیین کرده بود. ماهی ۲۰۰۰ تومان! معلوم است تحمل او بر شاه و غیر شاه سخت بود.

دستور تبعید و قتل امیرکبیر:

او هم باید از همه مناصب خلع و به کاشان تبعید می شد. منتها این شانس قائم مقام را نداشت که سر پست قبلی خود برگردد. تبعید امیرکبیر ۴۰ روز به طول انجامید. از یک طرف به نگهبانان دستور داده شد با او با کمال احترام رفتار کنند!

از طرف دیگر حکم قتل امیرکبیر توسط ناصرالدین شاه صادر شد:

"چاکر آستان ملائک پاسبان، فدوی خاص دولت ابد مدت، حاج علی خان پیشخدمت خاصه، فراشباشی دربار سپهر اقتدار مأمور است که به فین کاشان رفته، میرزا تقی خان فراهانی را راحت نماید؛ و در انجام این مأموریت بین الاقران مفتخر و به مراحم خسروانی مستظهر بوده باشد".

حاج علی خان فراش وقتی به باغ فین رسید که امیر در حمام بود. مأموران در دیگر حمام را مسدود کردند. رگ‌های دست و پاهای او را زدند و پس از مدتی خون‌ریزی میرغضب با اشاره علی خان فراش با چکمه به میان دو کتف امیر کوبید. امیر به زمین افتد. دستمالی در گلویش کردند تا جان به جان آفرین بدهد. کالبد امیر را ابتدا در همان کاشان دفن کردند. چند ماه بعد، به اصرار همسرش عزت‌الدوله کالبدش را به کربلا منتقل کردند و در حجره جنوب شرقی صحن امام حسین (ع) به خاک سپردند.

او در طول عمر خود دو بار ازدواج کرد. ازدواج اول او با دختر عموی خود بنام جان‌جان خانم بود که امیر در زمان صدارت از او جدا شد! و ازدواج دوم او با عزت الدوله دختر محمد شاه و خواهر ناصرالدین شاه بوده است. این ازدواج توسط شاه به او تحمیل شد. **علت طلاق زن اول؟ خدا می داند. خطا بود؟ حتما بود.**

نکته: او هم در دورانی که چند زنی مرسوم بود یک خطای فاحش کرد و دوبار ازدواج کرد. او هم مرد زندگی بود. از زن اول او صاحب یک پسر و دو دختر و از زن دوم صاحب دو دختر بود.

۳. **دکتر محمد مصدق:**

متولد ۲۹ اردیبهشت سال ۱۲۶۱ ه.ش در سَنگلَج تهران و درگذشته ۱۴ اسفند سال ۱۳۴۵ ه.ش. او دوبار نخست وزیر شد. دور اول در ۱۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰. برای جلوگیری از کارشکنی‌های ارتش از شاه درخواست کرد اداره وزارت جنگ را به دولت بسپارد. این درخواست از طرف شاه رد شد. دکتر مصدق در ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ از مقام نخست‌وزیری استعفا کرد. یک روز بعد، مجلس قوام‌السلطنه را به نخست‌وزیری انتخاب کرد.

مردم که از برکناری دکتر مصدق شدیدا خشمگین بودند.

در پی چهار روز تظاهرات و قیام‌های پیوسته در حمایت از دکتر مصدق، موفق به ساقط کردن دولت قوام شدند و در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ دکتر مصدق بار دیگر به مقام نخست‌وزیری ایران رسید. بنابراین او فقط ۴ روز از نخست وزیری برکنار بود. خدمات او هم چون شخصیت چندبعدی او چند وجهی بوده است.

او هم مثل قائم مقام و امیرکبیر به مقام بالاتر از خود حکم می کرد تا حدود قانون را رعایت بکند. به شاه می گفت طبق قانون مشروطه وظیفه شاه سلطنت است و نه حکومت.

ملی شدن صنعت نفت از برنامه های اصلی او پس از رسیدن به مقام نخست وزیری بود. او به همراه آیت الله کاشانی در این راه پیشرو بودند. دولت او مستعجل بود چون اختلاف نظرها برخلاف صفوف یکپارچه دشمنان داخلی و خارجی برجسته بود. کودتا در دو نوبت انجام گرفت. ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ دکتر مصدق از پست نخست وزیری عزل شد دکتر مصدق مقاومت کرد و حامل نامه عزل را بازداشت کرد. خبر به شاه رسید از ترس به بغداد و سپس به رم فرار کرد. کودتای اصلی سه روز بعد در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اتفاق افتاد و این دفعه کار دولت و ملت یکسره شد. و این ننگ برای همیشه تاریخ بنام انگلیس و آمریکا ثبت شد.

دستور حبس و تبعید دکتر مصدق:

دو نفر باید در این ماجراها به اشد مجازات می رسیدند. برای دکتر فاطمی اعدام و برای دکتر مصدق دادگاه نظامی تشکیل دادند. او با آن حال نزار که عکس های بی نظیری از آن روز ثبت شده است به حبس و تبعید محکوم شد.

خود دکتر مصدق در این باره می‌نویسد:

مرا به سه سال حبس مجرد محکوم کردند که در زندان لشکر ۲ زرهی آن را تحمل کردم. روز ۱۲ مرداد۱۳۳۵ که مدت آن خاتمه یافت به جای این‌که آزاد شوم به احمدآباد تبعید شدم و عده‌ای سرباز و گروهبان مأمور حفاظت من شدند. اکنون که سال ۱۳۳۹ خورشیدی هنوز تمام نشده مواظب من هستند و من محبوسم و چون اجازه نمی‌دهند بدون اسکورت به خارج [قلعه] بروم در این قلعه مانده‌ام و با این وضعیت می‌سازم تا عمرم به سر آید و از این زندگی خلاصی یابم.

او سرانجام در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۴۵ در سن ۸۴ سالگی در اثر سرطان غدد لنفاوی در احمد آباد درگذشت. مدفن او در ملک شخصی او احمدآباد است.

نکته: او هم به یک وصلت دیرپای بسنده کرد. حاصل ۶۴ زندگی مشترک، دو پسر و سه دختر بود.

مصدق

مصدق لاهه رفت از ما دفاع کرد

مصدق خانه رفت از ما دفاع کرد

به ما از لاله ها از سایه ها گفت

مصدق سایه رفت از ما دفاع کرد

مصدق

مصدق نام ما در هر کجا بود

مصدق راه ما تا هر کجا بود

مصدق از کجا تا هر کجا بود

مصدق کار ما از هر کجا بود

جمع بندی:

با این نگاه به سراغ آدمهای برجسته ایرانی در سرزمین ایران و زیر آسمان منطقه خاورمیانه می رویم که مردمانش رو بدهی پر رو می شوند رو ندهی پر زور می شوند. مقاماتش را آزاد بگذاری مستبد می شوند آزاد نگذاری منفعل می شوند. کمتر عادت به اعتدال دارند. افراط و تفریط را بیشتر دوست دارند. زورشان بیشتر به ضعفا می رسد. وقتی پست ندارند مصلح اند. پست را که گرفتند مهلک اند. در بهترین حالت با قوانین موجود، کشور را اداره می کنند اما جلو نمی برند.

برعکس، آدمهای فوق سنگین قوانین خود را دارند. ایشان خود تاریخ ساز هستند. به جای تغییر قانون، تغییر رژیم می کنند. ایشان سرسلسله هستند. کاریزمای فوق العاده دارند. برای احراز مقام اول شایسته ترین هستند. در چند ده سال یکبار ظهور می کنند. ایشان جامع الشرایط هستند. بعد ایشان این هنر فردی است که بخواهد با انتخاب های اصلح خود، خود امیر و امین جامع شرایط باقی بماند. صفات بارز ایشان:

۱. معرفت ذاتی دارند
۲. مبارز هستند
۳. هوش سرشار دارند
۴. ابهت دارند
۵. انسان شناس هستند
۶. دوست و دشمن را خوب می شناسند
۷. حقوق دان هستند
۸. اقتصاددان هستند
۹. تمام عمر با مردم هستند
۱۰. عالم هستند
۱۱. ایثارگر هستند
۱۲. جاذبه و دافعه دارند
۱۳. امین و حفیظ اند
۱۴. عدالت گستر هستند
۱۵. از ژنهای برترند
۱۶. قدرت بسیج دارند
۱۷. منتقد و نقد پذیرند

۱۸. برای پست تعظیم نمی کنند

۱۹. مغرور هستند

۲۰. وطن پرست هستند

۲۱. پول پرست نیستند

۲۲. زن باز نیستند

۲۳. عرق خور نیستند

۲۴. عبد خدا هستند

۲۵. نماینده خدا هستند

۲۶. یاد خدا هستند

۲۷. خدمت به خلق را عبادت می دانند

۲۸. حرفهائی در حد قصار می زنند

۲۹. به یک زبان غیر از زبان مادری آشنائیت کامل دارند. امروز این زبان زبان انگلیسی است

۳۰. در مقابل قدرتهای بزرگ مرعوب نیستند

۳۱. حرف نمی زنند عمل می کنند

۳۲. رو راست هستند

۳۳. بقول شهریار با **مرد** شهد و به نامرد زهر هستند (آقامیرغفار مرده شیرین نامرده چوخ آجی دی)

۳۴. بر دزدان سخت گیر هستند

۳۵. حافظ عرض و آبرو و ناموس مردم هستند

۳۶. حفظ محیط زیست را چون نماز پاس می دارند

۳۷. مجازات را از بالا و نه از پائین اعمال می کنند

۳۸. با کشورهای منطقه رقابت سالم دارند

۳۹. برای هفت سال در خزانه مملکت طلا و ارز نگهداری می کنند

۴۰. بیت المال را حریم خدا و خط قرمز مردم می دانند

۴۱. انتخاب های ایشان کمتر از مالک اشتر نیست

۴۲. اهل مطالعه هستند

۴۳. آثار با ارزش دارند

۴۴. اندیشمند هستند

۴۵. باندباز نیستند

۴۶. ملیجک پرور نیستند

۴۷. رانت خوار نیستند

۴۸. کمترین خواب را دارند

۴۹. رستم دستان هستند

۵۰. یک سر و گردن از دیگران برتر هستند

۵۱. اصحاب یقین اند

۵۲. اهل تفکر و توکل هستند

۵۳. از تملق بیزار هستند

۵۴. رفتن به محکمه را برای خود افتخار می دانند

۵۵. در بین مردم حضور پر رنگ دارند

۵۶. در مجالس غیر رسمی بالا نمی نشینند گرداگرد می نشینند

۵۷. لباس مبدل زیاد دارند

۵۸. الا ماشالله صفات سلبی و ایجابی. برگزیدن ایشان، مرام خدا، مدار دنیا، نگاه عقاب و دل شیر می خواهد.

پنجاب نبود پنج تو باشند

اغراق نبود فرق تو باشند

فرهاد نبود فرد تو باشند

زهتاب تو باشند

مهتاب تو باشند

از نسل تو باشند

سرمست تو باشند

همرزم تو باشند

افتاده از این دست نباشند

ایستاده از آن دست نباشند

افسرده نباشند

آزرده نباشند

مفلوک نباشند

منکوب نباشند

محکوم نباشند

زنهار تو باشند

همتای تو باشند

حراف نباشند

اصوات نباشند

برباد نباشند

باد آورده به این دشت نباشند

سفاک نباشند

زن باز نباشند

چند زن نباشند

صد عار نباشند

صد کار نباشند

شب کار نباشند

یاد تو نبود یاد تو باشند

درخواست نباشند

در خواب نباشند

آسوده در این ملک نباشد

آسوده بر این بام نباشند

حرفی بزنند حرف نباشد

میوه های شکفته ایران زمین

۱۳۹۶/۱۲/۲۸

دیده چنین بود میوه چنین بود

این دید خدا بود

کزین دیده جدا بود

در باغ خدا

میوه خوش یاد خدا بود

القاب چنین بود

اصحاب چنین بود

در خاک وطن

نام چنین بود

نامه چنین بود

گردش ایام چنین بود

سازنده تاریخ چنین بود

رنج است چنین شاخه زمین بود

آلاله کمین بود

گم گشتند از این باغ

که این باغ چنین بود

هم پدرم (معلم تاریخ) به من گفت چنین بود

هم بر سر تاریخ نشستم به من گفت چنین بود

منابع مورد استفاده:

منابع اینترنتی مهم از جمله سایت ویکی پدیا